

مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰

تاریخ وصول: ۸۸/۳/۲

تاریخ اصلاحات: ۸۹/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۱۷

صص ۲۱-۴۴

## بررسی تطبیقی واژه آمین در دو زبان عربی و عبری

امیر صالح معصومی<sup>۱</sup>

سید محمد رضا ابن الرسول<sup>۲</sup>

آمین - אָמֵן

בְּרוּךְ הוֹיָה לְעוֹלָם: אָמֵן וְאָמֵן

«خداوند متبارک باد تا ابد الآباد، آمین و آمین»

(مزامیر ۸۹: ۵۳)

### چکیده

واژه «آمین» از جمله واژگانی است که از زبان عبری به زبان عربی وارد شده است و در هر دو زبان کاربرد دینی دارد. علیرغم استعمال فراوان این کلمه، مسائلی درباره استعمال و معنی این واژه مطرح است که حل آنها به درک دقیق مفهوم و موارد کاربرد آن کمک می‌کند. در مقاله‌ای که پیش رو دارید، نگارندگان کوشیده‌اند با استناد به لغت‌نامه‌های معتبر، و با استشهاد به موارد استعمال «آمین» در کتب مقدس و متون دینی، و با توجه به رابطه اثرگذاری و اثرپذیری بین دو زبان عبری و عربی، سیر تطور این واژه از عبری به عربی را بررسی کرده و به مقایسه تطبیقی این واژه در دو زبان مذکور بپردازند تا از این رهگذر بتوانند تصویر روشنی از معنا و مفهوم آن ارائه دهند.

**واژه‌های کلیدی:** آمین، عبری، عربی، ریشه‌شناسی، معناشناسی

amirsalehmasoomi@yahoo.com

ibnorrasool@yahoo.com

۱- دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

## ۱. مقدمه

«آمین» از جمله واژگانی است که در آیین‌های یهود، مسیحیت و اسلام به کار می‌رود. این واژه در طی انجام مراسم عبادی غالباً در انتهای دعاها یا مناجات‌ها استفاده می‌شود و به معنای تصدیق و تأیید مضمون دعا و مناجات، و یا طلب اجابت آن است. سنت استفاده از این کلمه در بین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به سبب گوناگونی مراسم مذهبی طبعاً متفاوت است ولی این تفاوت صرفاً در چگونگی کاربرد آن در مراسم مذهبی است و ظاهراً در معنای آن مؤثر نیست.

«آمین» در اصل کلمه‌ای عبری (אָמֵן) است. این کلمه در سیر تاریخی خود از سویی به زبان‌های اروپایی مانند یونانی، لاتین و انگلیسی، و از سوی دیگر به زبان هم‌خانواده و هم‌ریشه خود یعنی عربی وارد شده است. این واژه در عبری «אָמֵן» (/a'men/)، و در زبان‌های انگلیسی و لاتین «amen» (/a'men/) نوشته می‌شود. «آمین» در طول این انتقال، به سبب کاربرد خاص و ثابت خود در مراسم مذهبی از تغییرات معنایی مصون مانده و در اصل معنی آن تغییری ایجاد نگشته است؛ هرچند شیوه تلفظ آن در زبان‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد. علیرغم معنای آشکاری که از این واژه در زبان عبری ارائه می‌شود، معاجم عربی در بیان معنای این واژه هماهنگ نیستند و اقوال لغویان مسلمان در این مورد آشفته و ناهمگون است. برخی همچون خلیل بن احمد فراهیدی، آن را اسمی از اسم‌های خداوند متعال می‌دانند، و برخی آن را به عنوان «اسم فعل» تصویر می‌کنند. این مسأله ما را بر آن داشت تا با مطالعه کاربردهای این واژه در خاستگاه اصلی خود یعنی زبان عبری، و تطبیق آن با زبان عربی، سیر تطور این واژه را بررسی کنیم.<sup>(۱)</sup>

مقاله حاضر در دو بخش کلی ارائه می‌گردد: ۱- «آمین» در عبری. ۲- «آمین» در عربی. در هر یک از این دو فصل نیز به مسائلی که درباره این واژه مطرح شده است می‌پردازیم و در انتها با مقایسه مطالب گفته شده و نتایجی که در هر فصل به دست آمده است معنایی روشن از این کلمه مقدس ترسیم می‌کنیم.

## ۲. «آمین» در زبان عبری

استعمال این واژه در زبان عبری تاریخی به درازای کاربرد دینی آن در شریعت یهود دارد. «آمین» در عهد عتیق و نیز در مراسم نماز و دعا استفاده شده است. این کلمه در زبان عبری دارای مشتقات و هم‌خانواده‌هایی است که بررسی آنها به فهم معنای آن کمک می‌کند. بدین سبب ابتدا از مشتقات آن سخن می‌گوییم و سپس به بررسی خود واژه می‌پردازیم.

## ۲-۱. مشتقات «آمین» در فرهنگ‌های عبری

یکی از مشترکات زبان‌های سامی اشتقاق است<sup>(۲)</sup>؛ بدین صورت که «ساخت کلمات اغلب با غنی ساختن یک ریشه سه حرفی انجام می‌گیرد» (مالرب ۱۳۸۲: ۲۵۱). این کار معمولاً با قرار دادن یک واژه سه حرفی به عنوان اصل و مصدر<sup>(۳)</sup> و سپس افزودن حروفی زائد بر آن یا تغییر در مصوت‌های آن انجام می‌گیرد. در برخی انواع اشتقاق، کلمات جدید در نوع حروف و ترتیب آن با اصل خود اتحاد دارند (صبحی صالح ۲۰۰۷م: ۱۷۴؛ عبدالنواب ۱۳۶۷:

۳۲۹؛ حجازی ۱۳۷۹: ۱۳۸). در طی این فرایند، خصوصیات معنایی «مشتق منه» و معنای هسته‌ای آن در کلمه «مشتق» حفظ می‌شود. مثلاً معنای هسته‌ای «ع ر ف» انکشاف و ظهور است. این معنای محوری یا عام در مشتقاتی مثل «عَرَفَ»، «عارف»، «عرفان»، «معروف» و «معرّف» نیز مشهود است (صبحی صالح ۲۰۰۷م: ۱۷۵؛ حجازی ۱۳۷۹: ۱۳۸).

«آمین אָמֵן (/a'men/) چنان‌که گفته شد، در عبری دارای مشتقات و کلماتی هم‌خانواده است که از ساخت‌های صرفی گوناگونی برخوردارند. ماده تمامی آنها سه حرف א و מ و נ است که به ترتیب معادل حروف «الف» و «میم» و «نون» در عربی است. برای استخراج معنای عام این ریشه، و قبل از پرداختن به معنی کلمه «آمین»، ابتدا لازم است نگاهی به مشتقات آن بیندازیم.

## ۲-۱-۱. صورت فعلی (אָמַן (/amaen/))

در فرهنگ نرم‌افزاری داور<sup>(۴)</sup>، دو صورت لازم و متعدی برای این ساخت ذکر شده است:

**a) Intransitive:** 1- to be faithful. 2- to be established, confirmed. 3- to stand firm. 4- to be certain.

الف: فعل لازم: ۱- با ایمان بودن. ۲- تصدیق شدن، تأیید شدن. ۳- ثابت یا پایدار ماندن. ۴- مسلم شدن.

**b) Transitive:** 1- to support, uphold. 2- to confirm. 3- to make firm.

ب: فعل متعدی به معنی: ۱- حمایت کردن. ۲- تأیید کردن. ۳- استوار کردن، ثابت کردن.

این فعل در صورتی که با حرف «א» یا «ל» که به ترتیب معادل حرف «باء» و «لام» در عربی است به کار رود به معنای «ایمان آوردن به کسی یا چیزی» به کار می‌رود (حییم ۱۳۶۰: ۱۹). این فعل در معنای اخیر و دقیقاً با همان حروف اضافه «א» یا «ל»، به صورت فعل «אָמַן ב» یا «אָמַן ל» به زبان عربی وارد شده و در قرآن کریم به کار رفته است. آیه کریمه: [يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ] (التوبة ۹: ۶۱) نمونه‌ای از کاربرد آن با دو حرف جر باء و لام است. مشکور به عبری بودن این واژه یعنی «أَمَّنَ» تصریح دارد (۱۳۵۷: ۳۷). آرتور جفری نیز نظری مشابه دارد و بر آن است که فعل اصلی «أَمَّنَ» با مشتقاتش عربی خالص است ولی صیغه باب افعال آن یعنی «أَمَّنَ» و مشتقاتش یک مصطلح تخصصی دینی است که از ادیان کهن و زبان‌های آرامی، حبشی، سریانی، گرفته شده است. «البته خود این صورت‌های آرامی از واژه عبری אָמַן (/ha'amen/) گرفته شده‌اند» (۱۳۸۶: ۱۳۱).

## ۲-۱-۲. صورت اسمی

به دو شکل زیر کاربرد دارد:

**a) אָמִינָה: (/æ'mun/):** faithfulness, trusting.

الف: אָמִינָה: امانت، درستی، وفاداری، اعتماد.

**b) אָמִינָה: (/e'muna/):** 1- firmness, steadfastness, fidelity. 2- faithfulness, trust.

ب: אָמִינָה: ۱- ثبات و استحکام، وفاداری. ۲- اعتماد، اطمینان، درستی، امانت.

## ۲-۱-۳. صورت قیدی (אָמֵן) (/om'nam/): براستی، حقیقتاً

אָמֵן:(adv): verily, truly, indeed.

با تدقیق نظر در واژگانی که گذشت، می‌توان معنای هسته‌ای تمام آنها را «ثبوت» و «ثبات» دانست و باقی معانی را به نحوی به آن برگرداند. این معنی گاه به صورت فعلی، گاه به صورت اسمی، و گاه به صورت قیدی پدیدار می‌شود و بنا بر قاعده اشتقاق، این معنا در کلمه «آمین» نیز رعایت شده است. با توجه به این نکته، به توضیح واژه «آمین» می‌پردازیم.

## ۲-۲. گونه‌های کاربردی «آمین» در زبان عبری و مصادیق آن در کتاب مقدس

واژه «آمین» در زبان عبری به سه صورت اسم، صفت، و قید به کار رفته است. علاوه بر این ساخت‌های سه گانه صرفی، فرضیاتی نیز مطرح شده که این واژه را به عنوان یک اسم خاص یا اسم علم تصویر می‌کند. بنابراین در این فصل، در ضمن چهار زیر بخش به بررسی این کلمه می‌پردازیم:

## ۲-۲-۱. «آمین» به عنوان اسم (به معنی حق، حقیقت، ثبات، اعتماد، اطمینان)

אָמֵן (/a'men/): noun: truth, firmness, trust, confidence.

حالت اسمی «آمین» را می‌توان در دو آیه از کتاب مقدس یافت، یک آیه از عهد عتیق و آیه دیگر در عهد جدید.

دو آیه مورد بحث عبارتند از: اشعیاى نبی ۶۵: ۱۶ و مکاشفات یوحنا ۳: ۱۴.

الف) خداوند: «خدای آمین»، خدای حق

«پس هرکه خویشان را بر روی زمین برکت دهد، خویشان را به خدای حق برکت خواهد داد؛ و هرکه بروی

زمین قسم خورد به خدای حق قسم خواهد خورد. زیرا که تنگی‌های اولین فراموش شده و از نظر من پنهان گردیده است» (اشعیاى نبی ۶۵: ۱۶).

در متن عبری آیه فوق، این ترکیب آمده است: «אֱלֹהֵי אֱמֵן» (/elohe a'men/)<sup>(۶)</sup>. این عبارت، چنان‌که توضیح

داده خواهد شد، یک ترکیب اضافی است. این آیه در برگردان‌های مختلف کتاب مقدس چنین ترجمه شده است:

۱- ترجمه لاتین Vulgate: «Deo amen»

۲- ترجمه‌های انگلیسی (The World English Bible) WEB, (American Standard Version) KJB ASV:

«the God of truth»

۳- دو ترجمه کهن و تفسیری به فارسی: «خدای حق».

۴- ترجمه عربی (ترکیب اضافی): «إِلَهَ الْحَقِّ». (العهد القديم العبری ۲۰۰۷م: ۷۲۱؛ الكتاب المقدس ۱۹۹۵م: ۹۳۲؛

الكتاب المقدس ۱۸۹۷م: ۳۰۷)

۵- ترجمه عربی دارالمشرق: «إِلَه آمین». (الكتاب المقدس ۱۹۹۴م: ۱۶۳۱)

۶- ترجمه عربی واطس: «الله آمین». (الکتاب المقدس ۱۸۴۸م: ۲ / ۱۸۹) این ترجمه را می‌توان به صورت «الإله الحق» در نظر گرفت که یک ترکیب وصفی است، زیرا کلمه «الله» که یک اسم خاص است، هیچگاه مضاف واقع نمی‌شود.

همانطور که مشاهده می‌کنید، در ترجمه لاتین کلمه «amen»، و در ترجمه‌های عربی واطس و دار المشرق کلمه «آمین» ترجمه نشده و اصل واژه عبری حفظ شده است. در این بین، ذکر چند نکته دیگر مفید به نظر می‌رسد:

نکته نخست این که ترکیب عبری فوق، همانطور که گفته شد یک ترکیب اضافی است که از دو واژه «אֱלֹהִים» (/elohim/) + אָמֵן (/a'men/) تشکیل شده است. کلمه «אֱלֹהִים» جمع مذکر است. علامت جمع مذکر در زبان عبری «ים» (/im/) است که از لحاظ آوایی با علامت جمع عربی «-ین» در حالت منصوب و مجرور، مشابهت بسیار دارد. در زبان عبری در هنگام اضافه کردن کلمات جمع مذکر، حرف «ם» معادل «میم» در عربی را از انتهای کلمه مضاف حذف می‌کنند که این امر باعث تغییرات آوایی در آن می‌شود. به ترکیب‌های زیر توجه کنید:

בְּנֵי (benim) / + יִשְׂרָאֵל (jesra'el) = בְּנֵי (bene) / + יִשְׂרָאֵל (jesra'el)

پسرها اسرائیل فرزندان اسرائیل (بنی اسرائیل)

این قانون در زبان عربی هم جاری است و حرف «ن» را از انتهای کلمه جمع مذکر حذف می‌کنند؛ مثلاً هنگام اضافه کلمه «بنین» به «اسرائیل» این ترکیب حاصل می‌شود: «بنی اسرائیل».

بنابراین هنگام اضافه کلمه «אֱלֹהִים» به «אָמֵן»، حرف «ם» را از آن حذف می‌کنیم. حذف حرف «ם» از انتهای اسم‌های جمع مذکر، قرینه ترکیب اضافی است و باعث عدم اشتباه آن با یک ترکیب وصفی می‌شود. مثلاً عبارات زیر ترکیب‌هایی وصفی‌اند:

۱- אֱלֹהִים אֱמֶת (/elohim emet/) = خدای حق

۲- אֱלֹהִים הַיִּים (/elohim hajji:m/) = خدای حی

با توجه به این نکته، ترجمه عربی آخر دقیق به نظر نمی‌رسد، زیرا به جای ترکیبی اضافی «إله الحق» یا «إله آمین»، ترکیبی وصفی «الله آمین» ارائه شده است. ترجمه‌های فارسی نیز احتمال هر دو ترکیب اضافی و وصفی را دارند. البته مطابق با دستور زبان عبری، ترکیبات اضافی غالباً جانشین و هم معنی با ترکیبات وصفی به کار می‌روند.<sup>(۷)</sup> بنابراین شاید بتوان ترجمه‌های وصفی را نیز صحیح دانست.

در کاربرد کلمه «حق» در عربی نیز هر دو کاربرد اضافی «إله الحق» و وصفی «الله آمین» که معادل «الإله الحق» است، دیده شده است که در نکته شماره ۳ توضیح داده شده است.

نکته دوم اینکه کلمه «حق» که معادل واژه عبری «אָמֵן» در حالت اسمی است، در قرآن بارها به عنوان صفت برای خداوند متعال، به کار رفته است. برای نمونه به آیات زیر توجه کنید:

[ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ] (انعام: ۶؛ یونس: ۱۰: ۳۰).

[هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا] (کهف: ۱۸: ۴۴).

وگاهی نیز «حق» بدون موصوف و به تنهایی آمده است:

[وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ...] (مؤمنون ۲۳: ۷۱؛ حج ۲۲: ۶ و ۶۲).

مراد از اتصاف خداوند به وصف «حق» در آیات فوق، باطل دانستن غیر اوست، چنانچه خود فرموده است: [ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ] (حج ۲۲: ۶۲). «حق» به معنای وجودی است ثابت که زوال نمی‌پذیرد و باطل هرآن چیزی است که ثابتی نداشته، دارای زوال است. پس اطلاق «حق» بر خداوند متعال از این روست که تنها وجود ثابت و جاودان اوست و دیگر موجودات، فانی و در معرض تغییرند (ابن منظور ۲۰۰۵م: «ح‌حق»؛ دامغانی ۱۴۱۹هـ: ۲۷۲ و ۲۷۴).

همین معنی از «حق» در کتاب مقدس (اشعیا ۶۵: ۱۶) نیز صادق است. در تفسیری از کتاب مقدس به این معنی

اشاره شده است:

**The God of truth:** very God, as opposed to false gods.

نکته سوم اینکه «آمین» در آیه اشعیا مترادف با واژه אֱמֶת (/emet/) است.<sup>(۸)</sup> این کلمه نیز مانند «آمین» دارای دو

حالت اسمی و قیدی است:

אֱמֶת (/emet/): **1- noun:** firmness, faithfulness, truth. **2- adverb:** in truth, truly.

אֱמֶת (/emet/): ۱- اسم: ثبات، وفاداری، راستی، حق و حقیقت. ۲- قید: به راستی، حقیقتاً.

این واژه نیز همانند حالت اسمی «آمین» برای نام خدا به کار رفته است. با این تفاوت که «אֱמֶת» به صورت مضاف‌الیه برای نام خداوند بود ولی «אֱמֶת» نقش صفت نحوی دارد نه مضاف‌الیه. در سفر «ارمیا نبی ۱۰:۱۰» این ترکیب وصفی وارد شده است: «אֱמֶת אֱלֹהֵינוּ» (/elohim emet/). به معنای «خدای حق = الإله الحق». دقت کنید که حرف «ה» حذف نشده است که بنا بر توضیحات قبل نشانه وصفی بودن ترکیب است. مقایسه کنید با «אֱמֶת אֱלֹהֵינוּ» (/elohe a'men/) که ترکیبی اضافی است به معنای «خدای حق = إله الحق».

نظیر این دو ترکیب اضافی و وصفی در عبری، در زبان عربی نیز هست. با جستجو در کتب ادعیه امامیه، مواردی از استعمال ترکیب اضافی «إله الحق» و نیز ترکیب وصفی «الله آمین = الإله الحق» را یافتیم. این موارد در پایان دعاها و مناجات‌ها است که غالباً با لفظ «آمین» همراه است. به نمونه‌هایی از آن نگاهی بیاندازیم:

«...وَأُرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمَلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (کفعمی بی تا: ۳۰۶؛ شیخ طوسی ۱۴۱۱هـ: ۴۰۶).

«...وَأَوْزَعْنَا أَنْ نَشْكُرَ رَحْمَتَكَ آمِينَ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» (شیخ طوسی ۱۴۱۱هـ: ۴۴۴؛ و نیز نگر: ۴۴۶).

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ إِلَهِهِ الْحَقِّ...» (همان: تسبیح یوم السبت ۱: ۴۳۷؛ کفعمی بی تا: ۱۰۱ و ۱۱۱).

این نمونه‌ها و این نحو کاربرد عربی از نظر دستوری مربوط به قسم سوم استعمال «آمین» یعنی حالت قیدی است که در بخش بعدی خواهد آمد. ولی از منظر تشابه لفظی بین عربی و عبری بسیار قابل توجه است. باید گفت که اگر مشکلات نحوی که دامن‌گیر ما نمی‌شد، می‌توانستیم ترکیب عبارات فوق را به این صورت در نظر بگیریم: «یا آمین، إله الحق، استجب دعائنا» و یا «یا إله الحق، آمین، استجب دعائنا». یعنی کلمه اول را منادی برای حرف نداء محذوف در تقدیر بگیریم و کلمه دوم را عطف بیان برای کلمه اول. مانند اینکه گفته باشیم: «یا زیدُ أخوا عمرو و یا أخوا عمرو زیداً».

در آن دسته از مثال‌ها نیز که لفظ «آمین» نیامده می‌توان گفت که از مرادفِ آن استفاده شده. بدین صورت که اصل عبارت «یا آمین» بوده است که بعداً با «إله الحق» جایگزین شده است. نتیجه آنکه «آمین» با «إله الحق» در عبارات فوق به یک معنی است. به عبارت دیگر «آمین» را در عبارات فوق نه اسم فعل و به معنای «استجب» - چنانچه لغویان و نحویان گفته‌اند - بلکه به همان معنای اسمی یعنی «حق» تفسیر کنیم. ساده‌تر گفته باشیم «آمین» در این استعمال، نام خداوند است نه اسم فعل به معنای «چنین باد = so be it». این مانند آن است که گفته باشیم «یا الله، یا إله الحق». اما چنانچه گفتیم به دلیل مسائل نحوی که خواهد آمد، چنین توجیهی با تکلف همراه است.

### ب) عیسی علیه السلام، «آمین» و شاهد راستین

به فرشته کلیسای لاودیکه (Laodicea) بنویس: «این است سخنان «آمین»، آن شاهد امین و راستین و نخستین، منشأ تمام خلقت خدا» (مکاشفات ۳: ۱۴).

این قسمت در ترجمه‌های دیگر چنین است:

۱ - ترجمه لاتین Vulgate: «Amen».

۲ - ترجمه عبری از عهد جدید: «[ha-amen/] אָמֵן». حرف «hey = ה» در عبری حرف تعریف است. معادل «ال» در عربی و «the» در انگلیسی.

۳ - ترجمه‌های انگلیسی WEB و ASV و KJB: «the Amen».

۴ - ترجمه فارسی کهن: «آمین»

۵ - ترجمه فارسی تفسیری: در این ترجمه، کلمه «آمین» ترجمه تحت‌اللفظی نشده است، بلکه به صورت «کسی که حقیقت را آشکار می‌سازد تفسیر شده: «این پیام را برای رهبر کلیسای لاودیکه بنویس: این پیام کسی است که همواره حقیقت را با امانت و راستی تمام آشکار می‌سازد، و منشأ تمام خلقت خدا است» (مکاشفات ۳: ۱۴، ترجمه تفسیری).

۶- ترجمه عربی: «الآمین» ( العهد الجديد، ۲۰۰۳م، ۱۱۴۹؛ الكتاب المقدس ۱۸۴۸م: ۳/ ۳۳۳؛ الكتاب المقدس ۱۹۹۴م: ۲/ ۸۰۶؛ الكتاب المقدس ۱۹۹۵م: ۲/ ۳۸۸)

۷- ترجمه عربی یسوعیه: «آمین» بدون الف و لام تعریف. (الكتاب المقدس ۱۸۹۷م: ۵۰۷)

۸ - ترجمه عربی سایت «www.ibs.org»: «الحق»

همان طور که مشاهده می‌شود تنها ترجمه عربی اخیر «آمین» را به «حق» ترجمه کرده است و باقی ترجمه‌ها آن را به همان شکل اصلی خود آورده‌اند. البته به استثنای ترجمه تفسیری که ترجمه‌ای آزاد ارائه داده است. نکته دیگر آنکه تنها ترجمه لاتینی و عربی یسوعیه، «آمین» را بدون حرف تعریف آورده است. زبان فارسی هم که علامت تعریف ندارد.

«آمین» در این آیه همچون لقبی برای مسیح به کار رفته است. مسیح علیه‌السلام «آمین» نامیده شده است، زیرا که او «حق» است و حق - چنان‌که گذشت ثابت است. «عیسی مسیح امروز نیز همان است که دیروز بود و هرگز تغییر نخواهد کرد» (نامه‌ای به عبرانیان ۱۳: ۸ ترجمه تفسیری).

در اشعیا (۶۵: ۱۶) آن گونه که دیدید، خداوند متعال در برابر خدایان دروغین، خود را «خدای آمین» یعنی «خدای حق» نامید؛ خدایی که در مقابل باقی خدایان دروغین و فانی، ثابت است و لایزال. عنوان «آمین»، توسط پولس رسول نیز درباره عیسی به کار رفته است: «زیرا که پسر خدا، عیسی مسیح که من و سیلوانس و تیموتوس در میان شما به وی موعظه کردیم «بلی» و «نی» نشد<sup>(۹)</sup>. بلکه در او بلی شده است. زیرا چندانکه وعده‌های خدا است همه در او بلی و از این جهت در او «آمین» است تا خدا از ما تمجید یابد» (رساله دوم پولس رسول به قرناتیان ۱: ۱۹-۲۰ ترجمه کهن).

## ۲-۲-۲. «آمین» به عنوان صفت (به معنی ثابت، راسخ، محقق، محرز، پایدار)

אָמֵן (/a'men/): adjective: firm, certain, stable, faithful, established.

از استعمال «آمین» در معنای وصفی می‌توان آیه اخیر از رساله پولس رسول را مثال آورد. در این آیه «آمین» به عنوان صفت برای وعده‌های خداوند درباره مسیح علیه‌السلام به کار رفته است: زیرا چندان که وعده‌های خدا است همه در او «بلی» و از این جهت در او «آمین» است تا خدا از ما تمجید یابد» (رساله دوم پولس رسول به قرناتیان ۱: ۲۰)

این قسمت در ترجمه‌های دیگر چنین است:

۱- ترجمه لاتین Vulgate: «amen»

۲- ترجمه عبری از عهد جدید: אָמֵן [amen].

۳- ترجمه‌های انگلیسی WEB و ASV: «the Amen».

۴- ترجمه انگلیسی KJB: «Amen».

۵- ترجمه فارسی کهن: «آمین».

۶- ترجمه فارسی تفسیری: «امین و وفادار».

۸- ترجمه عربی: «آمین» (العهد الجديد ۲۰۰۳م: ۸۵۲؛ الكتاب المقدس ۱۸۹۷م: ۴۷۸؛ الكتاب المقدس ۱۹۹۴م:

۵۴۸؛ الكتاب المقدس ۱۸۴۸م: ۳ / ۲۴۱).

۹- ترجمه عربی: «الآمین». (الكتاب المقدس ۱۸۳۷م: ۱۹۱).

اختلاف در آوردن حرف تعریف برای «آمین» در این قسمت نیز قابل مشاهده است.

آنچه که از این آیه استفاده می‌شود این است که وعده‌های خداوند «آمین» است، یعنی «محقق و مسلم» است.

نظیر این معنی در قرآن کریم برای توصیف وعده‌های الهی قابل مشاهده است، مانند: [أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ]

(یونس ۱۰: ۵۵؛ نیز: نساء ۴: ۱۲۲- یونس ۱۰: ۴ - كهف ۱۸: ۲۱ - قصص ۲۸: ۱۳- روم ۳۰: ۶۰ - لقمان ۳۱: ۹ و ۳۳ -

فاطر ۳۵: ۵ - غافر ۴۰: ۵۵ و ۷۷ - جائیه ۴۵: ۳۲ - احقاف ۴۶: ۱۷).

## ۲-۲-۳. «آمین» به عنوان قید (به معنی: ۱- چنین باد، چنین شود. ۲- مسلماً، حقاً)

אָמֵן (/a'men/): 1- so be it, let it be. 2- verily, truly.



این حالت در عهدین و همچنین در منابع اسلامی دارای موارد کاربرد فراوانی است. این کلمه ابتدا در بین یهود به کار می‌رفته است و می‌توان کاربرد آن در مسیحیت و اسلام را متأثر از سنت یهودیان در گفتن «آمین» دانست. صورت قیدی واژه «آمین» صد و هفتاد و چهار بار در عهدین مورد استفاده قرار گرفته است که این تعداد، از هر دو کاربرد اسمی و وصفی آن به مراتب بیشتر است. این فراوانی سبب اشتها این واژه به عنوان قید است و آنچه از لفظ «آمین» متبادر می‌شود همین معنای قیدی آن است.

«آمین» به صورت قید در دو موضع از کلام کاربرد دارد: الف) انتهای کلام که جایگاه اصلی آن است. ب) ابتدای کلام که تنها در اناجیل دیده می‌شود.

الف) «آمین» در پایان کلام:

«آمین» در این موضع به معنای «چنین باد = so be it» است. «آمین» به عنوان یک اصطلاح رسمی، توسط مخاطب، در پاسخ به سخن متکلم و به منظور تأیید و تصدیق کلام وی و نشانه پذیرش و موافقت با سخن او به کار می‌رود. در آیه‌ای از کتاب مقدس به این معنی تصریح شده است: «پس ارمیا نبی گفت: «آمین، خداوند چنین بکند، و خداوند سخنان را که به آنها نبوت کردی استوار نماید و ظروف خانه خداوند و جمیع اسیران را از بابل به اینجا باز بیاورد» (ارمیا نبی ۲۸: ۶)

جملاتی که «آمین» در آن به کار می‌رود، از نظر محتوا و مضمون یکسان نیستند. این واژه به گاه به عنوان کلمه یا ذکر است که برای تأیید، موافقت، یا ابراز امید و آرزو در هنگام شنیدن دعا یا تقدیس خداوند، نفرین، یا سوگند به کار می‌رود. مانند این آیه: «و متبارک باد نام مجید او تا ابد الآباد، و تمامی زمین از جلال او پر بشود. آمین و آمین». (مزامیر ۷۲: ۱۹)

مفهوم «آمین» در مورد عباراتی که مدح خداوند را بیان می‌کند تصدیق آن امر است یعنی این موضوع حقیقت دارد، و در مورد عباراتی که گذشته از مدح خداوند، درخواستی را، چه در قالب دعا و چه در قالب نفرین و... در بر دارد، علاوه بر تصدیق درخواست اجابت آن امر نیز هست، یعنی این امر حقیقت دارد و امید این که اینچنین واقع شود (نیایش روزانه یهود ۱۳۸۲: ۱۰۵).

ب) «آمین» در ابتدای کلام

«آمین» در عهد جدید کاربردی جدید و متفاوت از عهد عتیق پیدا کرد، بدین صورت که در ابتدای کلام قرار گرفت. عیسی علیه‌السلام از این واژه در کلام خویش به وفور استفاده کرده است. «آمین» در این کاربرد به معنای «حقاً، مسلماً» است که توسط خود متکلم و برای اهمیت بخشیدن به سخنی که قصد گفتن آن را دارد، به کار می‌رود. به عبارتی دیگر، غرض از استعمال آن محقق جلوه دادن و تأکید سخنانی است که در پی می‌آید (مستر هاکس ۱۳۸۳: ۱۰۸). مانند این آیه: «عیسی بدیشان [یهودیان] گفت: آمین، آمین. به شما می‌گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم» (انجیل یوحنا ۸: ۵۸).

## ۲-۲-۴. «آمین» به عنوان اسم خاص

در این باره دو فرضیه مطرح شده که در آنها «آمین» به عنوان یک اسم علم در نظر گرفته شده است:

الف: «آمین»: «خداوند، پادشاه استوار و امین»

این نظر که از تلمود گرفته شده است «آمین» را به صورت یک سرواژه (acronym) تشریح می‌کند، یعنی کلمه‌ای که از ترکیب حرف اول کلمات دیگر ساخته می‌شود. در کتاب سنهدرین از مجموعه تلمود آمده است که «ربی حنینا» (R. Hanina) در جواب به سؤالی که از معنای «آمین» شده چنین پاسخ گفته: «خداوند، پادشاه استوار و امین = God, faithful King» (Talmud: Sanhedrin 111 a & Shabbath 119 b).

بر طبق این نقل از تلمود بابلی، حروف کلمه «אֱמֵן» از حروف آغازین سه کلمه مختلف تشکیل شده است و اصل این واژه چنین بوده است: «אֱלֹהֵינוּ מֶלֶךְ נֶאֱמָן» (/el melex ne'eman/). کلمه «אֱלֹ» (/el/) به معنی خدا، و کلمه «מֶלֶךְ» (/melex/) به معنی پادشاه، و کلمه «נֶאֱמָן» (/ne'eman/) به معنی امین، درست، موثق، باوفا، صادق و سخت ترجمه شده است (Judaica: AMEN). این گفته تلمود را با نظری که در معاجم و قوامیس عربی ذکر خواهد شد مقایسه کنید.

ب: «آمین»: تلفظی از «آمون»

یکی از تلفظ‌های کلمه «آمین»، «آمون» است. این کلمه با این شکل خاص تلفظ، نوزده بار به صورت یک نام و

اسم در عهد عتیق به کار رفته است. این تعداد را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

ب-۱. «آمون» یکی از پادشاهان «یهودا». (چهارده بار)

«آمون» چهاردهمین پادشاه «یهودا»، حکومت جنوبی طویف اسرائیل بعد از وفات سلیمان نبی علیه‌السلام است. وی از ۶۴۲ ق. م. به جای پدر بر تخت می‌نشیند و دو سال حکومت می‌کند. (مستر هاکس، ۱۳۸۳، ۱۰۶) نام این «آمون» چهارده بار در عهد عتیق به کار رفته است (کتاب دوم تواریخ ۳۳: ۱-۲۵؛ کتاب دوم پادشاهان ۲۱: ۱-۲۵).

ب-۲. «آمون» یکی از فرمانداران «یهودا». (دو بار)

او یکی از فرمانداران در زمان سلطنت «آحاب»، هفتمین پادشاه بنی اسرائیل در سال ۸۷۴ ق. م. بود. نام وی نیز دو بار در عهد عتیق به کار رفته است (کتاب دوم تواریخ ۱۸: ۲۵-۲۷؛ کتاب اول پادشاهان ۲۲: ۲۶-۲۸).

ب-۳. «آمون» از آزاد شدگان اسارت بابلی. (یک بار).

در باب هفتم کتاب «نحمیا»، اسامی قبایل و افرادی که توسط نبوکد نصر (Nebuchadnezzar) به اسارت به بابل برده شده بودند و پس از نابودی دولت بابل (کلدانیان) با اجازه کورش به اورشلیم باز گشتند، آورده شده است. در میان آنها فردی است به نام «آمون» (نحمیا ۷: ۶-۷ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹).

ب-۴. «آمون» خدای مصری: (دو بار)

نام «آمون»<sup>(۱۰)</sup> خدای مصریان باستان، در دو آیه از عهد عتیق به کار رفته است:

\* «آیا تو [آشور] از «نوآمون» بهتر هستی که در میان نهرها ساکن بوده، آب‌ها او را احاطه می‌داشت، که دریا

حصار او و بحرهای دیوار او می‌بود» (کتاب ناحوم نبی ۸: ۳).

\*\*\* «یهوه صباوت خدای اسرائیل می‌گوید: اینک من بر «آمون نو» و فرعون و مصر و خدایانش و پادشاهانش یعنی بر فرعون و آنانیکه بر وی توکل دارند عقوبت خواهم رسانید» (کتاب ارمیاء نبی ۲۵:۴۶).

از میان این چهار مورد استعمال آنچه که مورد بحث است همین کاربرد آخرین، یعنی «آمون» خدای مصر باستان است. بعضی از محققان بین واژه «آمین»، یا بنا بر تلفظ عبری آن /a'men/ و واژه «آمون»، خدایی از خدایان مصر باستان ارتباط برقرار می‌کنند. آنها به جای اینکه «אָמֵן» را از خانواده «א, מ, נ» بدانند، آن را تلفظی از تلفظ‌های متعدد واژه مصری «אָמֵן (/amon/)» می‌دانند. از تلفظ‌های «آمون»، خدای مصری، می‌توان: «Amen, Amon, Ammon, Amun» نام برد<sup>(۱۱)</sup>.

همان طور که می‌بینید یکی از تلفظ‌های آن یعنی «Amen» با «אָמֵן (/amen/) = آمین» مورد بحث دارای یک تلفظ است و این همانندی باعث اشتباه بین آن دو می‌شود. از این رو برخی برآنند که لفظ «آمین» که در پایان برکت‌ها و دعاها کاربرد دارد، در حقیقت نام خدای مصریان «آمون» و یکی از تلفظ‌های آن است و یهودیان در حقیقت نام خدای مصریان را در پایان دعا‌های خود به کار می‌برند. خلاصه نظرات این دسته از محققان را در دو مورد کلی می‌توان خلاصه کرد:

الف) بنی اسرائیل که بیش از ۴۰۰ سال (یا بنا بر قولی ۲۱۰ سال)<sup>(۱۲)</sup> در مصر اقامت داشتند بی شک در بت‌پرستی فرورفته و به پرستش «آمون رع» و دیگر خدایان مصری روی آورده بودند. گوساله پرستی آنان پس از خروج از مصر گواهی بر این مدعاست. پس از این واقعه نیز از پرستش «آمون رع» دست برداشتند و در پایان دعا‌هایی که می‌کردند از نام او استمداد می‌جستند. به عبارتی دیگر گفتن «آمین» میراث بنی اسرائیل از دوره اقامت در مصر است.

ب) «خداوند» در کتاب اشعیا (۶۵: ۱۶) «خدای آمین» خوانده شده است. عیسی علیه‌السلام نیز چنانچه گذشت، در کتاب مکاشفات (۳: ۱۴)، «آمین» خوانده شده است. یعنی نامی که در مصر باستان برای خدای خورشید استفاده می‌شده با همان حالت برای خداوندگاران جدید یعنی «خداوند» و «مسیح» که او هم خدا است، به کار رفته است<sup>(۱۳)</sup>.

البته پرستش خدایانی غیر از «خداوند» در تاریخ دینی بنی اسرائیل مورد انکار نیست. آنچه مورد سؤال و انکار است پرستش خدایی مصری به نام «آمون» است که سندی قطعی از پرستش آن توسط یهودیان در دست نیست تا بتوان آن را به کلمه «آمین» مرتبط ساخت.

اگر فرض را هم بر صحت این مدعا بگذاریم که «آمین» همان «آمون» خدای مصری بوده است، باز مشکلی در استعمال آن در پایان ادعیه و برکت‌ها نخواهد بود، زیرا با توجه به موارد استعمال این واژه در متون مقدس و قرائن حالی یا مقالی که در اطراف کاربرد این لفظ یافت می‌شود، می‌توان به طور قطع گفت که این واژه از معنای قدیمی به معنای جدیدی نقل پیدا کرده است که همان «چنین باد» و نظایر آن است.

به عنوان مثال حضرت موسی علیه‌السلام که با آن شدت در برابر گوساله پرستی بنی اسرائیل قد علم می‌کند و بنا بر دستور خداوند به آنها دستور می‌دهد به عنوان کفار این گناه عظیم، هم‌دیگر را بکشند، چطور در سفر تثنیه هنگام

وضع یکسری احکام فقهی، دوازده بار نام بردن از «آمون» را بر می‌تابد و چیزی نمی‌گوید؟! به چند آیه از این قسمت توجه کنید:

آنگاه لای‌ها که در بین آنها ایستاده‌اند با صدای بلند به تمام بنی‌اسرائیل بگویند: لعنت خدا بر کسی که بتی از سنگ، چوب یا فلز بسازد و مخفیانه آن را پرستش کند، زیرا خداوند از بت‌پرستی متنفر است. و تمامی قوم بگویند «آمین». لعنت خدا بر کسی که نسبت به پدر و مادرش بی‌احترامی کند. و تمامی قوم بگویند «آمین»... (سفر تثنیه ۲۷: ۱۴-۱۵).

آنگونه که دیدید اولاً سکوت موسی علیه‌السلام در برابر «آمین» گفتن جمع در صورتی که آنرا نام «آمون» بدانیم جایز نیست و بر اوست که قوم خود را از سنن باطل مصریان بیبراید. ثانیاً گفتن «آمین» با این معنای فرضی در جواب این عبارت‌ها چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟!

علاوه بر این از کلمه «آمین» در دستوراتی که خداوند به موسی فرموده نیز استفاده شده است: «آنگاه کاهن زن را قسم لعنت بدهد و کاهن به زن بگوید: خداوند تو را در میان قومت مورد لعنت و قسم بسازد به اینکه خداوند ران تو را ساقط و شکم تو را مُتَفَخَّح گرداند. و این آب لعنت در احشای تو داخل شده، شکم تو را منتفخ و ران تو را ساقط بسازد. و آن زن بگوید: آمین آمین» (سفر اعداد ۵: ۱۹ - ۲۲).

با این حال چگونه ممکن است که خداوند خود امر به نام بردن از نام «آمون» کرده باشد؟!

### ۳. «آمین» در زبان عربی

«آمین» در زبان عربی، نه در شعر و نه در خطبه‌های دوره جاهلیت، استعمالی نداشته است. این مطلب با جستجویی که توسط نرم‌افزار الموسوعه الشعریه در هر دو قسم «المکتبه» و «الدواوین» صورت گرفت و همچنین با تورق کتاب جمهره خطب العرب به دست آمده است. ظاهراً اولین نمونه‌های مکتوب و به دست آمده از استعمال این واژه در زبان عربی به زمان استقرار مسلمین در مدینه باز می‌گردد. این امر از احادیثی که «آمین» در آنها ذکر شده است، فهمیده می‌شود<sup>(۱۴)</sup>.

از «آمین» در کتاب‌های نحوی متقدم همانند کتاب سیبویه نیز نامی برده نشده است. با جستجویی که توسط نرم‌افزار المکتبه الإسلامیه الکبری با بیش از چهل کتاب در صرف و نحو و نرم‌افزار دیگری به نام المکتبه الشامله با بیش از پنجاه کتاب در صرف و نحو صورت گرفت، تنها در کتاب‌های زیر در باره این واژه در ضمن بحث از اسم فعل مطالبی آمده است: أوضح المسالک لابن هشام ۴: ۸۲ - شرح شذور الذهب ۱: ۱۵۰ - همع الهوامع ۳: ۱۰۳ - شرح الرضی علی الکافیة ۳: ۱۶۷ - شرح ابن عقیل ۳: ۳۰۲ - حاشیه الصبان علی شرح الأشمونی ۳: ۱۲۳۶.

البته ارائه نظر قطعی در باره تاریخ ورود این واژه به کتاب‌های نحوی نیاز به جستجوی بیشتر دارد، اما همین قدر که بدانیم سیبویه از آن سخنی نگفته است، خود گویای ورود متأخر این واژه به کتاب‌های نحوی است.

کتاب‌های لغوی هم وضعیت بهتری ندارند، چه در قدیمی‌ترین آنها، یعنی العین از خلیل بن احمد الفراهیدی، بحثی که از «آمین» آمده به هیچ وجه گویای معنای آن در عربی نیست و معنی‌هایی همانند «کذلک یکون»، «استجب» بعداً پا به کتاب‌های لغت نهاده است. در زیر به بررسی این واژه در کتاب‌های لغت می‌پردازیم.

### ۳-۱. واژه «آمین» در لغت‌نامه‌های عربی

معنای «آمین» در معاجم و فرهنگ‌های عربی بسیار آشفته و مبهم است و اقوال متعدد و متفاوتی در بیان معنای آن ارائه شده است. بعضی از نظرات ارائه شده در باب معنای این واژه نیز ریشه حدیثی و روایی دارند که با معنی‌شناسی این واژه بیگانه است؛ به عنوان مثال گفته شده که «آمین» درجه‌ای از مراتب بهشت است. «وعن أبی هریره أنه قال: آمین درجه فی الجنة» (ابن منظور ۲۰۰۵م: «امن»؛ ازهری ۲۰۰۱م: «امن»؛ ابن اثیر ۱۹۷۹م: ۱/ ۷۲؛ ابن حجر عسقلانی بی تا: ۲/ ۲۶۲؛ زرقانی ۱۴۱۱هـ: ۱/ ۲۵۹؛ قاضی عیاض بی تا: ۱/ ۳۸). بدیهی است که این قول در صدد تفسیر معنایی واژه نیست.

اختلاف در معنای این واژه خود گویای بیگانه بودن این واژه در زبان عربی است. «وقال عطیه العوفی آمین کلمه عبرانیه أو سریانیه ولیست عربیه» (نوی ۱۹۹۶م: ۱۳/۳). این گونه واژه‌ها را که از زبانی دیگر وارد عربی شده‌اند در علم اللغه عربی «معرّب» یعنی عربی شده می‌نامند و به فرایند عربی کردن آنها نیز تعریب اطلاق می‌شود<sup>(۱۵)</sup>. واژگان معرب غالباً قرائن و علائمی دارند که گویای عربی نبودن آنهاست. از آن جمله وزن خاص آنهاست که از محدوده اوزان عربی خارج است، مانند لفظ «إبریسم» به معنی ابریشم یا «إسماعیل» که چنین اوزانی در اوزان اسم عربی نیست (عبدالطوب ۱۳۶۷: ۴۱۰؛ سیوطی، الاقتراح بی تا: ۴۵). در خصوص «آمین» نیز این مطلب صادق است: "وأما وزن «آمین» فلیس من أوزان کلام العرب وهو مثل «هابیل وقابیل»، وقیل هو تعریب «همین»... " (عینی بی تا: ۶/ ۴۷۸).

البته برخی همانند زجاج تلفظ «آمین» را عربی دانسته و «آمین» را حاصل اشباع همزه در «آمین» می‌دانند، فلذا «آمین» را عربی می‌دانند نه «معرّب» یا «عجمی»: "... وفی «آمین» لغتان: قصر ومدّ فالمدّ مقصور عربی، لکنه «فعیل» فی العربی... والمدّ فیها لإشباع الفتح» (زجاج ۱۴۲۰هـ: ۱/ ۱۵۰، و رضی الدین استرآبادی ۱۴۱۹هـ: ۳/ ۱۶۷؛ ابن منظور ۲۰۰۵م: «امن»؛ صبان ۱۴۱۹هـ: ۳/ ۱۲۳۶).

در مجموع معانی ارائه شده از سوی لغویان عرب را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

### ۳-۱-۱. «آمین» اسمی از اسماء خداوند متعال

خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی ۱۷۰ ق) در کتاب العین چنین آورده است: «والتّأمین من قولک: آمین، وهو اسم من أسماء الله» (فراهیدی بی تا: «امن»).

این رأی هرچند در ابتدا با معنایی که در زبان عبری از «آمین» ارائه شده متفاوت به نظر می‌رسد، اما به نظر می‌آید که مبتنی بر کاربرد اسمی آن در زبان عبری است، یعنی آنجا که به معنای «حق» استفاده شده است و پیشتر گذشت.

در زبان عربی نیز کلمه «حق» گاه برای اشاره به ذات خداوند و اسمی از اسماء او به کار می‌رود، مانند این آیه شریفه: [وَلَوْ أَنَّبَعُ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ...]. (مؤمنون ۲۳: ۷۱). شاید چنین استعمالی موجب پیدایش این قول گشته است.

این نظر در قوامیس و کتب دیگری که به شرح لفظ «آمین» پرداخته‌اند نیز دیده می‌شود، هرچند در آغاز اکثر آنها به لفظ «قیل» آمده که حاکی از عدم قطعیت لغویان در این معنی است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲هـ / ۱ / ۲۶؛ ابن منظور ۲۰۰۵م: «أمْن»؛ نووی ۱۹۹۶م: ۱۳ / ۳؛ أزهری ۲۰۰۱م: «أمْن»؛ زبیدی ۲۰۰۴م: «أمْن»؛ فیروزآبادی ۱۴۰۷م: «أمْن»؛ ابن فارس ۱۴۲۰هـ / «أمْن»؛ ابن ابی شیبه ۱۴۰۹هـ / ۲ / ۱۸۸؛ صنعانی ۱۴۰۳هـ / ۲ / ۹۹؛ هندی ۱۴۱۹هـ / ۲ / ۲۶۴؛ قاضی عیاض بی تا، ۱ / ۳۸).

در عبارت العین و دیگر لغویان دو اشکال به چشم می‌خورد:

الف) طرح چنین معنایی از «آمین» در تعریف واژه «تأمین» نادرست است و با معنای «آمین» سازگاری ندارد. «تأمین» به معنای گفتن کلمه «آمین» بعد از قرائت سوره فاتحه است: «وَيَقَالُ: أَمَّنَ الْإِمَامُ تَأْمِينًا إِذَا قَالَ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ أَمِّ الْكِتَابِ آمِينَ» (ابن منظور ۲۰۰۵م: «أمْن»؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲هـ / ۱ / ۲۶؛ ابن اثیر ۱۹۷۹م: «آمین»). و معنی ذکر شده برای این واژه با استعمال آن ناهمگون است.

سنت «آمین گفتن» - چنان‌که گفته شد- از یهودیت به اسلام نیز وارد شده است و در پایان قرائت سوره فاتحه در نماز، یا در پایان دعا و مناجات به درگاه خداوند از این واژه استفاده می‌شود. مراد از استعمال آن نیز همانند کاربردش در سنت یهودی، طلب تصدیق و تأیید مضامین دعا است و که همان صورت قیدی «آمین» به معنی «چنین باد» است، نه شکل اسمی آن به معنی «حق». این در حالی است که برای توضیح صورت «قیدی»، از معنای «اسمی» استفاده شده است. بنابراین به نظر می‌رسد در عبارت العین و دیگر کتب لغت، معرّف (تعریف کلمه) با معرّف (کلمه) همخوانی ندارد.

ب) آنچه از کاربرد «آمین» در عربی یافت می‌شود همگی مبتنی برحالت قیدی است و حالت اسمی آن در این زبان شناخته شده نیست<sup>(۱۶)</sup>. همانگونه که گذشت حالت اسمی این واژه در خود زبان عبری هم بسیار اندک است و نقل آن به عربی و ورود آن به قوامیس و فرهنگ‌های لغت بسیار بعید به نظر می‌رسد. پس معلوم نیست که لغت‌دانان عرب به چه سبب از معنایی بهره گرفته‌اند که در عربی استعمال ندارد، زیرا اصل در لغت نویسی یک زبان توضیح لغات مستعمل در دایره همان زبان است نه زبان بیگانه هر چند منشأ آن باشد.

برخی این معنی، یعنی حالت اسمی را با معنای ندائی «آمین» در آمیخته‌اند. بدین صورت که «آمین» را اسمی از اسماء الله دانسته‌اند که مورد نداء واقع شده است، یعنی: «یا آمین»، مانند این که بگوییم: «یا الله». و چون نداء در زبان عربی به جمله‌ای به عنوان جواب نداء نیاز دارد، فعل «استجب» را پس از آن در نظر گرفته‌اند؛ تقدیر عبارت بنا بر رأی ایشان چنین است: «یا آمین، استجب دعائنا». البته برخی به جای «آمین» که تلفظ مدئی است، «آمین» را در نظر

گرفته‌اند، و به جای حرف ندای «یا»، همزه ندای «أ» را فرض کرده‌اند. این دو یعنی همزه ندا «أ» با «آمین» جمع می‌گردد و ترکیب دو همزه به تشکیل «آ» می‌انجامد و «آمین» پدید می‌آید. پس اصل آن چنین بوده: «آمین» (ابن جوزی ۱۹۹۷م: ۱/ ۴۲۶؛ عینی بی تا: ۶/ ۴۷۸؛ قاضی عیاض بی تا: ۱/ ۳۸).

این گفتار از منظر علم نحو قابل قبول نیست، از آن روی که بنا بر قواعد باب نداء، منادای مفرد معرفه باید مبنی بر ضم باشد. مثلاً اگر نام «حسین» را منادا قرار دادیم باید بگوییم: «یا حسین». بنا بر این قاعده، صحیح آن است که در هنگام ندا این اسم گفته شود: «یا آمین» نه اینکه آن را مبنی بر فتحه قراءت کرده بگوییم: «یا آمین»، زیرا «آمین» بنا بر این رأی هم اسمی از اسماء خداوند است و منادای مفرد معرفه به شمار می‌آید. ولی چنانچه گذشت «آمین» در عربی مطلقاً مبنی بر حالت فتح است.

البته این اشکال را می‌توان این گونه پاسخ داد که بنای بر ضمه ظاهری در منادای مفرد معرفه، مخصوص کلمات معرب صحیح الآخر است. در هنگام ندا اگر کلمه منادی از قبل مبنی باشد، یا مُعَرَّب و مقصور یا منقوص باشد، مبنی بر ضم بودن آن تقدیری خواهد بود؛ مثلاً در مورد کلمه «سیبویه»، «موسی» و «قاضی» در «یا سبویه» و «یا موسی» و «یا قاضی» می‌گوییم: «سیبویه» و «موسی» و «قاضی» مبنی بر ضمّ مقدرند (سیوطی، همع الهوامع ۱۴۱۸هـ: ۲/ ۲۹).

بر این جواب نیز اشکالی وارد است و آن توجیه بناء «آمین» بر علامت فتحه است. بنا بر این رأی که «آمین» اسمی از اسماء الله است سببی برای بناء آن به نظر نمی‌رسد جز آنکه آن را منادائی فرض کنیم که اُدا ت ندا «یا» از آن حذف شده است، و توجیها ت دیگری که در مورد بناء «آمین» خواهد آمد، بر این نظریه منطبق نمی‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که اشکال فوق بر قوت خود باقی است.

علاوه بر این، دو مشکل دیگر نیز در بین است: اول آن که در میان اسماء الله، اسم مبنی یافت نمی‌شود، برخلاف «آمین» که مطلقاً مبنی بر فتح است. و دوم «توقیفی بودن اسماء الله» است<sup>(۱۷)</sup> که مانع از آن است که بتوانیم «آمین» را از اسماء الهی به شمار بیاوریم، زیرا نه در قرآن و نه در حدیث از آن به عنوان یکی از اسماء الله اشاره نشده است. پس با توجه با اشکالات فوق، نمی‌توان معنی «اسم من اسماء الله» را قابل قبول دانست، هر چند که به خاطر مشابهتش با استعمال اسمی «آمین» در عبری قابل توجه است.

### ۳-۱-۲. «آمین» مرکب از چهار حرف از اسماء الله

در بعضی از روایات آمده است که «آمین» از چهار حرف از اسماء الهی تشکیل شده است. البته به اینکه این اسماء چهارگانه کدامند اشاره‌ای نرفته است: «قال الضحاک: آمین أربعة أحرف مقطعه من أسماء الله عز وجل...» (مناوی ۱۳۵۶: ۱/ ۶۰؛ نووی ۱۹۹۶م: ۳/ ۱۳).

به نظر می‌رسد این رأی تحت تأثیر آنچه از تلمود نقل شد و «آمین» را به صورت یک آکرونیم تشریح می‌کرد، ارائه گشته است. به هر حال این نظر نیز با استعمال در زبان عبری سازگاری ندارد و همان ایرادات مذکور بر این نظر نیز وارد است.

## ۳-۱-۳. «آمین» صفت فاعلی «آهنگ جایی داشتن»

این معنی مبتنی بر تلفظ «آمین» با مدّه همزه و تشدید میم است. البته اگر به قصر همزه و تشدید میم باشد یعنی به صورت «آمین» آنرا عبری یا سریانی دانسته‌اند (عینی بی تا: ۴۷۸/۶؛ نیز ابن حجر عسقلانی بی تا: ۲۶۲/۲؛ زرقانی ۱۴۱۱هـ: ۲۵۹/۱؛ نووی ۱۹۹۶م: ۱۳/۳). این تلفظ ارتباطی با «آمین» عبری ندارد بلکه اسم فاعل مشتق از فعل «أَمَّ يَوْمٌ» به معنای «قصد کردن» است و کلمه‌ای عبری به شمار می‌رود. چنانچه در آیه‌ای از قرآن کریم: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلَوْا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ...] (المائدة: ۵) هم آمده و به معنای «قاصدین البیت الحرام» است و نباید با «آمین» اشتباه شود (صبان ۱۴۱۹هـ: ۲۳۶/۳؛ قاضی عیاض بی تا: ۱/۳۸؛ نووی ۱۹۹۶م: ۱۳/۳؛ ابن سکیت بی تا: ۱۳/۳؛ ابن حجر عسقلانی بی تا: ۲۶۲/۲؛ زرقانی ۱۴۱۱هـ: ۲۵۹/۱).

## ۳-۱-۴. «آمین» واژه‌ای که تنها خداوند از معنی آن آگاه است

برخی چنین نظر داده‌اند که اصولاً معنای «آمین» مکشوف نیست و تأویل و تفسیر آن را کسی جز خداوند متعال نمی‌داند: «وقیل هو کنز من کنوز العرش لا یعلم تأویله إلا الله» (عینی بی تا: ۴۷۸/۶؛ نووی ۱۹۹۶م: ۱۳/۳).

## ۳-۱-۵. «آمین» اسم فعل و به معنای «چنین باد»

اکثر نحویان و لغویان عرب، کلمه «آمین» را در زمره «اسم فعل»<sup>(۱۸)</sup> آورده‌اند، که مانند «هیئات» و دیگر اسم فعل‌های ماضی، مبنی بر فتح است. این رأی قوی‌ترین آراء از میان نظرات ارائه شده است، با این وجود در باره معنی آن اختلاف نظر وجود دارد. عمده لغویان معنای آن را «استجب» نوشته‌اند، و باقی معانی ارائه شده را به همین معنی ارجاع می‌دهند. (ابن منظور ۲۰۰۵م: «أم»؛ ازهری ۲۰۰۱م: «أم»؛ ابن اثیر ۱۹۷۹م: ۱/۷۲؛ ابن جوزی ۱۹۹۷م: ۱/۴۲۶؛ ابن حجر عسقلانی بی تا: ۲۶۲/۲؛ زرقانی ۱۴۱۱هـ: ۲۵۹/۱؛ عینی بی تا، ۴۷۸/۶).

بنابراین وقتی در انتهای دعایی «آمین» می‌گوییم به این معناست که با اشتیاقی شدید از خداوند، طلب اجابت آن را می‌نماییم و می‌گوییم: «اللهم استجب لی دعائی، ولا تخیب اللهم رجائنا، لأنه لا یقدر علی هذا غیرک» (عینی بی تا: ۴۷۸/۶).

معنای دیگر این اسم فعل «لیکن کذلک» یا «کذلک یكون» است. این همان معنای «چنین باد» و «همچنین باد» و «det it be» و «so be it» است که پیشتر به عنوان معنای حالت قیدی «آمین» ارائه شد. (ابن منظور ۲۰۰۵م: «أم»؛ ازهری ۲۰۰۱م: «أم»؛ نووی ۱۹۹۶م: ۱۳/۳؛ ابن اثیر ۱۹۷۹م: ۱/۷۲؛ عینی بی تا: ۴۷۸/۶؛ ابن جوزی ۱۹۹۷م: ۱/۴۲۶؛ قاضی عیاض بی تا: ۳۸/۱؛ فیروزآبادی ۱۴۰۷م: «أم»). زمخشری نیز در مقدمه الأدب، «آمین» را به «همچنین باد، چنین باد» ترجمه کرده است (۱۳۸۶: ۸۳).

در حدیثی منقول از رسول الله<sup>ص</sup> آمده است که ایشان «آمین» را به «افعل» تفسیر فرموده‌اند: «... عن ابن عباس سألت رسول الله<sup>ص</sup> عن معنی آمین فقال: افعل» (زیلعی ۱۴۱۴هـ: ۲۷/۱؛ نووی ۱۹۹۶م: ۱۳/۳) همین معنی در کتاب المحکم والمحیط فی اللغة آمده است: «ومعنی آمین: اللهم افعل، وقیل: افعل هكذا...» (ابن سیده ۲۰۰۰م: «أم»).



به نظر ما بهتر آن است که معنای بنیادی این واژه را همان «لیکن کذلک» معادل «چنین باد» در فارسی و «so be it» دانست و باقی معانی از جمله «استجب» را به این معنا باز گرداند؛ زیرا که این معنا نسبت به «استجب» از شمول و عمومیت بیشتری برخوردار است و می‌توان «استجب» را زیر مجموعه آن به شمار آورد. بدین صورت که در مقام دعا و طلب به درگاه خداوند متعال، معنای لازم «لیکن کذلک» همان «استجب» می‌شود. یعنی وقتی در پایان دعا، خطاب به خداوند متعال می‌گوییم: «چنین باد»، منظورمان طلب اجابت دعا از ناحیه اوست که همان معنای «اللهم استجب لی دعائی» است. از سویی، «آمین» تنها در انتهای دعا نمی‌آید و گاه در پی تقدیس خداوند متعال یا در تأیید نفرین به کار می‌رود که معنای «استجب» با آنها سازگار نیست. اما در این موارد معنای «چنین باد» بسیار سازگاری دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف: «و متبارک باد نام مجید او تا ابد الآباد، و تمامی زمین از جلال او پر بشود. آمین و آمین». (مزامیر ۷۲: ۱۹)  
 ب: «لعنت خدا بر کسی که بتی از سنگ، چوب یا فلز بسازد و مخفیانه آن را پرستش کند، زیرا خداوند از بت پرستی متنفر است. و تمامی قوم بگویند: آمین» (تثنیه ۲۷: ۱۵).  
 در این جملات به سادگی می‌توان «چنین باد» را جایگزین کلمه «آمین» نمود درحالی که «استجب» بی‌معناست. البته شاید بر این نظر ایرادی وارد شود که معنای «استجب» فراخور کاربرد دعایی «آمین» در عربی است و باقی استعمالات «آمین» تنها در عهد عتیق و عهد جدید نمونه دارد و در عربی سابقه و مثالی ندارد. هر آنچه از نمونه‌های استفاده «آمین» در عربی در دست است، همگی در انتهای دعاست که با معنای «استجب» سازگاری بیشتری دارد. برای جمع بین دو نظر بهتر است معنای «استجب» را با توجه به کاربرد دعایی «آمین» در عربی و اسلام ترجیح دهیم و در مقابل، معنای «لیکن کذلک» را با توجه به اصل عبری واژه در نظر بگیریم.

#### ۴. نتیجه‌گیری

الف) «آمین» در زبان عبری به سه صورت اسم، صفت، و قید به کار رفته است. حالت قیدی «آمین» نسبت به دو صورت قبلی از بسامد بیشتری برخوردار است و بیشترین تعداد کاربرد این واژه در کتاب مقدس را به خود اختصاص داده است. «آمین» در این حالت به معنای «چنین باد» است. این حالت است که به مسیحیت و اسلام وارد شده است.

ب) برخی «آمین = אָמֵן» را ترکیبی از حروف آغازین عبارت «אֱלֹהֵינוּ יְהוָה יֵחַדְּלָנוּ» [El Melekh Ne'eman]: به معنای «خداوند، پادشاه استوار و آمین» می‌دانند. این نظر به معاجم عربی نیز راه یافته و «آمین» را اسمی از اسماء الله تعریف کرده‌اند که این معنی با استعمال این واژه در عربی سازگار نیست، زیرا آنچه از کاربرد «آمین» در عربی یافت می‌شود مبتنی برحالت قیدی است و حالت اسمی آن در این زبان شناخته شده نیست.

ج) «آمین» در زبان عربی، نه در شعر و نه در خطبه‌های دوره جاهلیت استعمالی نداشته است و اولین موارد ثبت شده از استعمال این کلمه به دوره استقرار اسلام در مدینه مربوط است که به احتمال زیاد تحت تأثیر یهودیان آن دیار به مسلمین منتقل شده است.

د) معنای «آمین» در معاجم و قوامیس عربی آشفته و مبهم است و اقوال متعدد و متفاوتی در بیان معنای آن ارائه شده است. همچنین در اولین کتاب‌های نحوی مانند کتاب سیبویه نیز در باره این واژه سخنی گفته نشده است. این مسائل گویای بیگانه بودن این واژه در زبان عربی است.

ه) اکثر نحویان و لغویان عرب، کلمه «آمین» را در زمره «اسم فعل» آورده‌اند اما در ارائه معنایی واحد برای آن اختلاف نظر دارند. به نظر می‌رسد ترجمه «استعجب» با توجه به کاربرد دعایی «آمین» در عربی و اسلام و ترجمه «لیکن کذلک» با توجه به اصل عبری واژه صورت گرفته است.

#### پی‌نوشت‌ها

- (۱) در این جا لازم است از زحمات جناب دکتر یونس حمامی لاله‌زار، مشاور مذهبی انجمن کلیمیان ایران، که در تنقیح این مقاله ما را یاری رساندند تشکر و قدردانی نماییم.
- (۲) منظور از اصطلاح اشتقاق در این مقاله، مفهوم رایج آن در علم نحو و فقه اللغه عربی است که در متن توضیح داده شده است. این مفهوم با آنچه در زبان‌شناسی متداول است، متفاوت است. «اشتقاق» یا «derivation» در زبان‌شناسی عبارت است از به دست دادن واژه‌ای جدید از طریق افزودن وند اشتقاقی (شقاقی ۱۳۸۶: ۸۵-۸۶).
- (۳) معمولاً در کتاب‌های فقه‌اللغه یک اختلاف قدیمی بین دو مکتب کوفه و بصره، درباره اینکه اصل مشتقات فعل است یا مصدر، مطرح می‌شود. پرداختن به این نزاع از مبحث ما خارج است (برای اطلاع بیشتر نگر: عبدالنواب ۱۳۶۷: ۳۲۹).
- (۴) davar. تمامی ترجمه‌های انگلیسی در این مقاله از این فرهنگ لغت نقل شده است.
- (۵) نام خاص خدا در کتاب مقدس از چهار حرف «יהוה» [YHVH] = ی . ه . و . ه تشکیل شده و بر طبق دستور کتاب مقدس که «نام یهوه، خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی‌گناه نخواهد شمرد» (سفر خروج ۲۰: ۷)، کسی مجاز نیست آن را بنویسد و یا تلفظ کند و به جای آن کلمه «אֲדֹנָי» [ADONAY] به معنای «خداوند = The Lord» تلفظ می‌شود و حتی این کلمه هم فقط در هنگام قرائت تورات یا نماز یا خواندن دعا گفته می‌شود، و به جای آن در موارد دیگر کلمه «הַשֵּׁם» [hashem] به معنای آن «الاسم» یا «آن نام» گفته می‌شود که معهود آن نام مقدس است. ما نیز در این مقاله برای احترام به این سنت یهودی، به جای نگارش «YHVH» این اسم را به صورت «*خداوند*» نوشته‌ایم.
- (۶) به نظر می‌آید ترکیب «الهی آمین» که در فارسی رواج دارد برگرفته از همین تلفظ عبری باشد. دکتر مشکور (۱۳۵۷: ۳۷/۱) نیز بعد از ذکر عنوان «آمین»، عنوان «الهی آمین» را هم مطرح کرده و آن را به همین ترکیب عبری برگردانده است.
- (۷) [www.hebrew4christians/adjective\\_properties.html](http://www.hebrew4christians/adjective_properties.html)
- (۸) نظر به وجود دو حرف مشترک میان «אֱמֵן» و «אֱמֵן» و تشابه معنایی این دو واژه، می‌توان میان آنها ادعای رابطه «اشتقاق اکبر» نمود. «اشتقاق اکبر بدین معنی است که دو واژه در بیشتر حروف اصلی با یکدیگر مشترک باشند و در یک حرف مختلف و معنای آنها نیز یکی باشد مانند دو واژه «قَصْم» و «قَصْم» که هر دو به معنای شکستن است و یا دو واژه «سراط و سراط». البته اصل اثبات اشتقاق اکبر مورد مناقشه است که محل بحث آن در این مقال نیست.
- (۹) یعنی هرگز دودل نشده است.

KJB: "For all the promises of God in him *are* yea, and in him Amen, unto the glory of God by us".

(۱۰) אָמֵן [a-mone]: "آمون یا آمین: (مستور) و آن یکی از خدایان هشتگانه مصریان بود که ثالوث، اول آنان بوده. صورتش بر ابنیه قدیمه ایشان منقوش می‌باشد ... و اسم او در کتاب مقدس بیشتر به لفظ «نو» [= شهر تبس] مقرون می‌باشد

چنانکه در ناحوم ۸:۳ «نوآمون» و در ارمیا ۲۵:۴۶ «آمین[نو]» ذکر شده است» (مستر هاکس ۱۳۸۳: ۱۰۷). [No] אָמֵן یا אָמֵן אָמֵן [No Amon] = شهر تبس]

The American Heritage © Dictionary & www.jewishencyclopedia.com & Encyclopædia Britannica 2008 (۱۱)  
 (۱۲) در مورد مدت اقامت بنی اسرائیل در مصر دو نظر کلی وجود دارد: ۴۳۰ سال و ۲۱۰ سال. در سفر خروج ۱۲: ۴۰ آمده است: «و توقف بنی اسرائیل که در مصر کرده بودند، چهارصد و سی سال بود». با این حال دسته از محققان برآنند که مدت اقامت ۲۱۰ سال بوده است. چگونگی جمع بین این دو تاریخ به ظاهر مختلف در کتاب *تاریخ یهود ایران* (لوی ۱۳۳۴: ۱/۳۲) توضیح داده شده است.

(۱۳) www.freemaninstitute.com & www.seiyaku.com/customs/amen.html & www.masada.org.za & www.ahl-lquran.com

(۱۴) به طور نمونه در حدیثی به حسادت و رزیدن یهود بر مسلمین به خاطر گفتن «آمین» اشاره شده است، و معلوم است که برخورد میان یهود و مسلمین در مدینه رخ داده است: «وآخرج ابن عدی فی الکامل عن ابی هریره قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): إن اليهود قومٌ حسدٌ وحسدوکم علی ثلاثة اشياء: السلام واقامة الصف و آمین» (السیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور ۱۹۹۳م: ۱۷/۱، الجصاص ۱۴۰۵هـ: ۷/۱).

(۱۵) «تعریب واژگان بدان معناست که کلماتی که زبان عربی از سایر زبان‌ها به عاریت گرفته است، عیناً به همان شکل گذشته خود در زبان اصلی باقی نمانده‌اند، بلکه عرب‌ها با ایجاد تغییراتی در اصوات و ساختمان این کلمات و تغییرات دیگری از این قبیل، آنها را با زبان خود هماهنگ کرده‌اند» (عبدالنواب ۱۳۶۷: ۴۰۴).

(۱۶) (۱۳) البته مانند حالت اسمی «آمین» در عبری، آنجا که «آمین» به عنوان اسمی برای خداوند و همچنین به عنوان لقبی برای مسیح علیه السلام به کار رفته بود، در عربی نیز یک مورد از کاربرد علمی «آمین» را یافتیم و آن «عبد الرحمن بن آمین» است. (فیروزآبادی ۱۴۰۷هـ: «ام»؛ طبرانی ۱۴۰۴هـ: ۳/۲۰۰)، ولی این خارج از مدعاست و ربطی به جایگاه بحث ندارد.

(۱۷) توقیفی بودن اسماء الله بدین معناست که اسماء خداوندی باید از ناحیه شخص شارع به ما برسد؛ یعنی در قرآن یا حدیث متواتر آمده باشد و ما اجازه نداریم از جانب خود هر اسم یا صفتی را که مناسب ذات خداوند می‌بینیم، به وی نسبت دهیم (نووی ۱۹۹۶م: ۱۳/۳).

(۱۸) کلمات در زبان عربی به «اسم» و «فعل» و «حرف» تقسیم می‌شوند. هریک از این سه قسم، خصوصیات و قواعد خاص خود را دارند. در این بین بعضی از کلمات دارای خصوصیتی مشترک‌اند که از جمله آنها می‌توان «اسم فعل» را نام برد. اسم فعل نوعی اسم است که همانند فعل عمل می‌کند و مانند فعل، فاعل و مفعول می‌گیرد. مثلاً کلمه‌ای مانند «هیئات» اسم فعل است. «هیئات» به معنای «بَعْدَ» است. یعنی همانطور که می‌گوییم: «بَعْدَ الظلم»، می‌توانیم بگوییم: «هیئات الظلم». «هیئات» در نوع عمل و زمان آن مانند «بَعْدَ» است. یعنی مانند «بَعْدَ» فاعل گرفته است و زمان آن نیز ماضی است. اسم فعل‌ها همچنین به لازم و متعدی تقسیم می‌شود. اسم فعل لازم مانند: «هیئات الظلم» و اسم فعل متعدی مانند: «رُوِّدَ زیداً» به معنی «أمهله». بنابر نظریه فوق، «آمین» از نظر معنی متعدی است، اما در استعمال برای آن مفعول به نمی‌آورند؛ مثلاً نمی‌گویند: «آمین - یا إلهی - دعاءنا» در حالی که گفتن: «استجب - یا إلهی - دعاءنا» صحیح است.

## کتاب‌نامه

## \* القرآن الکریم

\* کتاب مقدس، (۱۹۳۲) ترجمه کهن، انجمن پخش کتب مقدسه.

\* کتاب مقدس، (بی تا) ترجمه تفسیری.

\* الکتاب المقدس، (۱۸۴۸م) ترجمه: ولیم واطس. لندن.

\* الکتاب المقدس، (۱۹۹۵م)، لبنان: جمعیه الکتاب المقدس.

\* الکتاب المقدس، (۱۹۹۴م)، لبنان: دار المشرق.

\* الکتاب المقدس، (۱۸۹۷م)، بیروت: طبعه الیسوعیین.

\* العهد القديم العبری، (۲۰۰۷م)، بولس الغفالی وأنطوان عوکر، لبنان: الجامعة الأنطونیة.

\* العهد الجديد، (۲۰۰۳م)، بولس الغفالی وأنطوان عوکر، لبنان: الجامعة الأنطونیة.

\* الکتاب المقدس، (۱۸۳۷م)، لندن: بیبل سوسایتی.

ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۹ھ) المصنف فی الاحادیث والآثار. تحقیق کمال یوسف الحوت. ریاض: مکتبه الرشد.

ابن اثیر، مبارک بن محمد الجزری. (۱۳۹۹ھ = ۱۹۷۹م) النهایة فی غریب الحدیث والأثر. تحقیق طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی. بیروت: المکتبه العلمیة.

ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۱۸ھ = ۱۹۹۷م) کشف المشکل من حدیث الصحیحین. تحقیق علی حسین البواب. الرياض: دار الوطن.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (بی تا) فتح الباری. تحقیق محب الدین الخطیب. بیروت: دار المعرفه.

ابن سکیت، یعقوب بن إسحق. (بی تا) إصلاح المنطق. تحقیق أحمد محمد شاکر وعبد السلام محمد هارون. ط ۴. القاهرة: دار المعارف.

ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۲۰۰۰م) المحکم و المحيط الاعظم. تحقیق عبدالحمید هنداوی. بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن عقیل، بهاء الدین عبد الله. (۱۴۰۵ھ = ۱۹۸۵م) شرح ابن عقیل علی ألفیه ابن مالک. تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید. سوريا: دار الفكر.

ابن فارس، أحمد. (۱۴۲۰ھ = ۱۹۹۹م) معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبد السلام محمد هارون. ط ۲. بیروت: دار الجیل.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۲۰۰۵م) لسان العرب. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

ابن هشام انصاری، جمال الدین. (۱۳۹۹ھ = ۱۹۷۹م) أوضح المسالک إلی ألفیه ابن مالک. تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید. ط ۵. بیروت: دار الجیل.

ابن هشام انصاری، جمال الدین. (۱۴۰۴ھ = ۱۹۸۴م) شرح شذور الذهب. تحقیق عبد الغنی الدقر. سوريا: الشركة المتحدہ للتوزیع.

- ابن عییش، عییش بن علی. (۱۴۲۲هـ = ۲۰۰۱م) شرح المفصل. تحقیق الدكتور إميل بديع يعقوب. دار الكتب. زهری، محمد بن احمد. (۲۰۰۱م) تهذيب اللغة. تحقیق محمد عوض مرعب. بیروت: دار إحياء التراث العربی. جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵هـ) أحكام القرآن. تحقیق محمد صادق قمحاوی. بیروت: دار إحياء التراث العربی. جفری، آرتور. (۱۳۸۶) واژه‌های دخیل در قرآن مجید. ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای. ج ۲. تهران: انتشارات توس. حجازی، محمود فهمی. (۱۳۷۹) زبان‌شناسی عربی. ترجمه دکتر سید حسین سیدی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- حییم، سلیمان. (۱۳۶۰) فرهنگ عبری - فارسی. ط ۲. تهران: انجمن کلیمیان ایران. دامغانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۹هـ = ۱۹۹۸م) الوجوه والنظائر. تحقیق فاطمه یوسف الخیمی. دمشق: مکتبه الفارابی. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲هـ) المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان داودی. دمشق: الدار الشامیة، و بیروت: دار العلم.
- رضی الدین استرآبادی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۹هـ = ۱۹۹۸م) شرح الرضی علی کافیه ابن الحاجب. تحقیق الدكتور إميل بديع يعقوب. بیروت: دار الكتب العلمیة.
- زبیدی، محمد مرتضی. (۲۰۰۴م) تاج العروس. تحقیق مجموعه من المحققین. دار الهدایة. زجاج، ابراهیم بن سری. (۱۴۲۰هـ) إعراب القرآن. ط ۴. تحقیق إبراهيم الأبیاری. القاهرة: دار الكتاب المصری، و بیروت: دار الكتب اللبنانی.
- زرقانی، محمد بن عبدالباقی بن یوسف. (۱۴۱۱هـ) شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک. بیروت: دار الكتب العلمیة. زمخشری، أبو القاسم. (۱۳۸۶) مقدمه الأدب. افسست از روی چاپ لپیژیک آلمان. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل.
- زیلعی، عبدالله بن یوسف. (۱۴۱۴هـ) تخريج الاحاديث و الآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف للزمخشری. تحقیق عبدالله بن عبدالرحمن السعد. الرياض: دار ابن خزيمة.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. (بی تا) الاقتراح. تحقیق الدكتور احمد محمد قاسم. افسست نشر ادب حوزه.
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر، (۱۹۹۳م) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۸ ج، بیروت: دار الفکر. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۱۸هـ = ۱۹۹۸م) همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع. تحقیق احمد شمس الدین. بیروت: دار الكتب العلمیة.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۶) مبانی صرف. تهران: سمت.
- شیخ طوسی. (۱۴۱۱هـ) مصباح المتعجل. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- صبان، محمد بن علی. (۱۴۱۹هـ = ۱۹۹۹م) حاشیة الصبان علی شرح الأشمونی. بیروت: دار الفکر. صبحی صالح. (۲۰۰۷م) دراسات فی فقه اللغة. ط ۱۸. بیروت: دار العلم للملایین.
- صفوت، أحمد زکی. (بی تا) جمهره خطب العرب. بیروت: المکتبه العلمیة.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام. (۱۴۰۳هـ) المصنف. تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی. ط ۲. بیروت: المکتب الاسلامی.

طبرانی، سلیمان بن أحمد. (۱۴۰۴هـ = ۱۹۸۳م) *المعجم الكبير*. تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی. ط ۲. الموصل: مكتبة الزهراء.

عبدالتواب، رمضان. (۱۳۶۷) *مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی*. ترجمه حمید رضا شیخی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

عینی، محمود بن احمد. (بی تا) *عمدۀ القاری: شرح صحیح البخاری*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.  
فراهیدی، خلیل بن أحمد. (بی تا) *العین*. تحقیق الدكتور مهدی المنزومی و الدكتور إبراهيم السامرائی. بیروت: دار ومکتبۀ الهلال.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷هـ) *القاموس المحيط*. بیروت: مؤسسۀ الرسالة.

قاضی عیاض، عیاض بن موسی. (بی تا) *مشارق الأنوار علی صحاح الآثار*. المکتبۀ العتیقه و دار التراث.  
کفعمی، علی بن ابراهیم. (بی تا) *البلد الامین*. بی جا.

لوی، حبیب. (۱۳۳۴) *تاریخ یهود ایران*. تهران: کتاب فروشی یهودا بروخیم.

مالرب، میشل. (۱۳۸۲) *زبان‌های مردم جهان*. ترجمه عفت ملانظر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مستر هاکس. (۱۳۸۳) *قاموس کتاب مقدس*. تهران: انتشارات اساطیر.

مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۷) *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مناوی، عبد الرؤوف. (۱۳۵۶هـ) *فیض التقدير شرح الجامع الصغير*. مصر: المکتبۀ التجاریه الكبرى.

نووی، محی الدین بن شرف. (۱۹۹۶م) *تهذیب الأسماء واللغات*. تحقیق مکتب البحوث والدراسات. بیروت: دار الفکر.

نیایش روزانه یهود. (۱۳۸۲) ترجمه دکتر یونس حمامی لاله زار. تهران: انجمن کلیمیان ایران.

هندی، علی بن حسام الدین. (۱۴۱۹هـ = ۱۹۹۸م) *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*. تحقیق محمود عمر الدمیاطی. بیروت: دار الکتب العلمیة.

\* ترجمه‌های انگلیسی کتاب مقدس:

King James Version Bible. KJV

World English Bible = WEB

American Standard Version Bible = ASV

\* ترجمه لاتین vulgate

\* دیگر منابع خارجی:

The American Heritage® Dictionary of the English Language, Fourth Edition/ Copyright © 2006 by Houghton Mifflin Company. Published by Houghton Mifflin Company. All rights reserved.

Hebrew- english edition of the babylonian TALMUD. New edition. London 1994.

Encyclopedia JUDAICA. Copyright © 1072 by Keter Publishing House Ltd, Jerusalem, Israel.

\* سایت‌های اینترنتی:

[www.masada.org.za/Amen?](http://www.masada.org.za/Amen?)

[www.hebrew4christians/adjective\\_properties.html](http://www.hebrew4christians/adjective_properties.html)

[www.jewishencyclopedia.com](http://www.jewishencyclopedia.com)

[www.freemaninstitute.com](http://www.freemaninstitute.com)

[www.seiyaku.com/customs/amen.html](http://www.seiyaku.com/customs/amen.html)  
[www.ahl-alquran.com](http://www.ahl-alquran.com)

✽ نرم افزارها:

المكتبة الإسلامية الكبرى. مركز التراث للبرمجيات.

المكتبة الشاملة الإصدار الثاني.

الموسوعة الشعرية: الإصدار الثاني.

Davar, 3version: from: [www.faithofgod.net/davar](http://www.faithofgod.net/davar)

1- Jamieson Fausset Brown Bible Commentary.

2- brown – driver – briggs Hebrew - English lexicon.

ISA\_basic\_v 200\_RC 6 b.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی